

# نامه دوم پولس رسول به تیموتاوس

## مقدمه

این نامه را پولس رسول از زندان به تیموتاوس نوشته است. پولس به خاطر بشارت خبرخوش مسیح، زندانی شده بود. او می دانست که به زودی از این دنیا رفتنی است، پس این نامه را به همکار و معاون جوان خود تیموتاوس به شکل نصیحت و وصیت نوشته است.

پولس در این نامه به تیموتاوس نصیحت می کند که هیچگاه با چیزی که دروغ است، سازش نکند و با وجود مشکلات، فقط حقیقت را موعظه نماید. او به تیموتاوس هشدار می دهد که به حیث شاهد وفادار عیسای مسیح، به تعلیم حقیقی کتاب مقدس استوار بوده و وظیفه خود را به عنوان معلم و بشارت دهنده با صداقت انجام دهد. پولس در این مورد، خود را به حیث نمونه نزد او قرار می دهد که چطور خودش در برابر مشکلات استوار بوده و هرگز از حقیقت منحرف نشده است. پولس اطمینان کامل داشت که حتی مرگ هم نمی تواند به زندگی بی که او در مسیح به دست آورده بود، خاتمه دهد.

## فهرست موضوعات

- پیشگفتار: فصل ۱:۱ - ۲
- شکرگزاری و تشویق: فصل ۳:۱ - ۱۳:۲
- مشورت و هشدار: فصل ۱۴:۲ - ۵:۴
- وضعیت خود پولس رسول: فصل ۴:۴ - ۶:۱۸
- سخنان پایانی: فصل ۴:۱۹ - ۲۲

۱ این نامه از طرف پولس است که به خواست خدا، رسول عیسیای مسیح بوده و برای آن فرستاده شد تا وعده زندگی ای را که در عیسیای مسیح یافت می شود، اعلام کند. پولس این نامه را به تیموتاوس نوشته است. ۲ ای فرزند عزیزم تیموتاوس! فیض، رحمت و سلامتی خدای پدر و سرور ما عیسیای مسیح بر تو باد.

## شکرگزاری و تشویق

۳ من خدا را سپاس می گویم و مانند اجداد خود، او را با وجدان پاک عبادت می کنم. همین گونه تو را شب و روز در همه دعاهایم به یاد می آورم. ۴ وقتی اشکهای تو به یادم می آید، از خدا می خواهم که بتوانم تو را دوباره ببینم تا یکبار دیگر خوشی من کامل گردد. ۵ من آن ایمان بی ریای تو را خوب به خاطر دارم، همان ایمانی که اول در مادر کلانت لوئیس و مادرت افنیکی وجود داشت و اطمینان دارم که اکنون همان ایمان در وجود تو نیز زنده است. ۶ می خواستم برایت یادآوری کنم که وقتی من بر تو دست گذاشتم، هدیه خدا به تو داده شد. پس از تو می خواهم که این تحفه را همیشه در زندگی خود استفاده کنی، ۷ زیرا روحی که خدا به ما عطا کرده، نه روح ترس، بلکه روح قوت، محبت و حاکمیت بر نفس است.

۸ بنابراین از شهادت دادن به مسیح شرم نداشته باش و نه از من که به خاطر او زندانی هستم، بلکه با قدرت خدا در همه رنجهایی که به خاطر خبرخوش عیسیای مسیح پیش می آید، شریک باش. ۹ این که خدا ما را نجات داد و به یک زندگی پاک و مقدس فراخواند، نتیجه اعمال ما نبود بلکه مطابق با اراده و فیض خدا بود که از ازل در وجود عیسیای مسیح به ما بخشید. ۱۰ و اکنون با آمدن نجات دهنده ما عیسیای مسیح آشکار شده است. او قدرت مرگ را از بین برد و با این خبرخوش، زندگی جاویدان را آشکار ساخت.

۱۱ خدا مرا به عنوان واعظ، رسول و معلم تعیین کرده است تا این خبرخوش را بشارت

دهم.<sup>۱۲</sup> از همین سبب تمام رنجها را تحمل می‌کنم و از آن خجل نیستم، زیرا می‌دانم به چه کسی ایمان آورده‌ام و یقین دارم که او قادر است تا روز آخر آنچه را که به من سپرده است، حفظ کند.<sup>۱۳</sup> پس همه سخنان درست را که از من شنیده‌ای، با ایمان و محبتی که در عیسیای مسیح است، سرمشق خود قرار بده،<sup>۱۴</sup> و به وسیله روح مقدس که در ما ساکن است، آن امانت نیکو را که به تو سپرده شده است، حفظ کن.

<sup>۱۵</sup> تو خود می‌دانی که در ولایت آسیا همه مرا ترک کرده‌اند، به شمول فیجلس و هر موجیس.<sup>۱۶</sup> خداوند رحمت خود را به خانواده اُنسیفوروس عطا فرماید زیرا او از زندانی بودن من نشمید و بارها نیروی تازه به من بخشید.<sup>۱۷</sup> وقتی اُنسیفوروس به شهر روم رسید، به جستجوی من پرداخت و با زحمت زیاد مرا پیدا کرد.<sup>۱۸</sup> خداوند در روز داوری به او رحمت دهد. همچنان تو خوب می‌دانی که او در شهر اِفِس چه خدمتهایی برای من کرده است.

## سرباز وفادار عیسیای مسیح

<sup>۱</sup> <sup>۲</sup> پس تو، ای پسر من، با فیضی که در عیسیای مسیح است، قوی باش،<sup>۲</sup> سخنانی را که در برابر شاهدان بسیار از من شنیده‌ای به کسانی بسپار که مورد اعتماد بوده و قادر به تعلیم دادن دیگران باشند.<sup>۳</sup> مانند یک سرباز وفادار عیسیای مسیح، با من سختی‌ها را تحمل کن.<sup>۴</sup> هیچ سربازی خود را گرفتار کارهای زندگی روزمره نمی‌کند بلکه او همیشه می‌خواهد که رضایت فرماندارش را جلب کند.<sup>۵</sup> همین‌گونه هیچ ورزشکاری نمی‌تواند در یک مسابقه تاج پیروزی را ببرد مگر این که قوانین مسابقه را به خوبی مراعات کند.<sup>۶</sup> دهقانی که کار کرده و زحمت کشیده است، باید اولین کسی باشد که از حاصل زمین خود استفاده می‌کند.<sup>۷</sup> به چیزی که می‌گویم دقت کن و خداوند به تو قدرت درک همه چیز را می‌دهد.

<sup>۸</sup> عیسیای مسیح را به یاد داشته باش که از نسل داوود بود و پس از مرگ زنده شد. این

همان خبرخوش است که من موعظه می‌کنم.<sup>۹</sup> به خاطر همین خبرخوش است که رنج می‌کشم و حتی مانند یک جنایتکار در زنجیر هستم. اما کلام خدا در زنجیر نیست.<sup>۱۰</sup> پس همه چیز را به خاطر برگزیده‌گان خدا تحمل می‌کنم تا آنها نیز نجاتی را که در عیسی‌ای مسیح است همراه با جلال ابدی آن به دست آورند.<sup>۱۱</sup> این سخن قابل اعتماد است:

«اگر با او مُردیم، همچنان با او خواهیم زیست.

<sup>۱۲</sup> اگر تحمل و پایداری داشته باشیم، با او پادشاهی هم خواهیم کرد.

اگر او را انکار کنیم، او هم ما را انکار خواهد کرد،

<sup>۱۳</sup> ولی اگر ما به او وفادار نماییم، او وفادار خواهد ماند،

زیرا او نمی‌تواند خود را انکار کند.»

## خدمتگار مورد پسند خدا

<sup>۱۴</sup> همه این چیزها را به یاد مردم بیار و در حضور خدا به آنها تأکید کن تا از مجادله بر سر سخنان بیهوده دست بکشند، زیرا هیچ فایده‌ی ندارد، جز این که باعث گمراهی شنونده‌گان شود.<sup>۱۵</sup> با شوق زیاد کوشش کن که مورد پسند خدا باشی، درست مانند کارگری که از کار خود خجالت نمی‌کشد و کلام حقیقت را به درستی تعلیم می‌دهد.<sup>۱۶</sup> از بحثهای زشت و بیهوده که مردم را روز به روز از خدا دور می‌سازد، پرهیز کن.<sup>۱۷</sup> هر حرف‌شان مانند مرض سرطان به تمام بدن سرایت می‌کند. هیمنايوس و فیلیتس از جمله چنین اشخاص هستند.<sup>۱۸</sup> آنها از حقیقت گمراه شده‌اند و می‌گویند رستاخیز مُرده‌گان هم اکنون به وقوع پیوسته است و به این وسیله ایمان بعضی را متزلزل می‌سازند.<sup>۱۹</sup> اما تهداب محکمی که خدا نهاده، استوار است و این کلمات بر آن حک شده است: «خداوند کسانی را که به او تعلق دارند، می‌شناسد» و «هرکس که نام

خداوند را به زبان می‌آورد، باید شرارت را ترک کند.»

<sup>۲۰</sup> در یک خانهٔ بزرگ علاوه بر ظرفهای طلایی و نقره‌یی، ظرفهای چوبی و گلی هم وجود دارند. بعضی از آنها برای روزهای مخصوص به کار گرفته می‌شوند و بعضی برای کارهای روزمره استفاده می‌شوند. <sup>۲۱</sup> اگر کسی خود را از این آلوده‌گیها که در مورد آن گفتم پاک نگهدارد، ظرفی خواهد بود که برای روزهای مخصوص به کار گرفته می‌شود و برای صاحب خود مقدس و مفید بوده و آمادهٔ استفاده برای هر کار خوب خواهد بود. <sup>۲۲</sup> از خواهشهای نفسانی دوران جوانی بگریز و همراه با کسانی که با قلب پاک به حضور خداوند دعا می‌کنند، عدالت، ایمان، محبت و صلح و سلامتی را دنبال کن. <sup>۲۳</sup> اما از بحثهای بی‌معنی و احمقانه دوری کن، زیرا می‌دانی که به جنگ می‌انجامد. <sup>۲۴</sup> خدمتگار خداوند نباید جنگ کند بلکه باید با همه مهربان بوده و قادر به تعلیم بوده و شخص با صبر باشد <sup>۲۵</sup> و کسانی را که مخالف هستند، با آرامی اصلاح کند، با این امید که خدا به آنها فرصت بدهد تا توبه کنند و حقیقت را بشناسند. <sup>۲۶</sup> به این وسیله شاید آنها به خود آمده و از دام شیطان که آنها را گرفتار نموده و به اطاعت خود مجبور ساخته است، رهایی یابند.

## بی‌ایمانی روزهای آخر

<sup>۳</sup> <sup>۱</sup> اما آگاه باش که در روزهای آخر، مشکلات زیادی پیش خواهد آمد. <sup>۲</sup> آنگاه مردم، خودپرست، پول‌دوست، لافزن، مغرور، بدزبان، نافرمان به والدین، ناشکر، ناپاک، <sup>۳</sup> بی‌رحم، آشتی‌ناپذیر، غیبت‌کننده، بی‌بندوبار، ظالم، دشمن نیکویی، <sup>۴</sup> خیانتکار، بی‌پروا و مغرور خواهند بود. آنها عیاشی را بیشتر از خدا دوست خواهند داشت. <sup>۵</sup> آنها در ظاهر خود را دیندار نشان می‌دهند، ولی قدرت ایمان را انکار می‌نمایند، پس از چنین اشخاص دوری کن. <sup>۶</sup> یک عده‌یی از آنها به خانه‌های مردم می‌روند و زنان ساده را زیر تأثیر خود قرار می‌دهند، زنانی که زیر بار گناه خم شده و به هر نوع خواهشهای نفسانی تن می‌دهند. <sup>۷</sup> چنین زنان، با وجود آن که همیشه تعلیم می‌گیرند، ولی هرگز نمی‌توانند

حقیقت را درک کنند.<sup>۸</sup> همان‌طور که ینیس و یمبریس در برابر موسی برخاستند، این مردان نیز در برابر حقیقت مخالفت می‌کنند. افکارشان فاسد و ایمان‌شان جعلی است.<sup>۹</sup> اما آنها بیش از این پیشرفت نخواهند داشت، زیرا حماقت آنها نزد همه آشکار خواهد شد، درست همان‌طوری که از ینیس و یمبریس آشکار گردید.

## آخرین هدایتها

<sup>۱۰</sup> اما تو از همه تعالیم و رفتار و هدف زندگی من پیروی نموده و از ایمان، بردباری، محبت و پایداری من آگاه هستی.<sup>۱۱</sup> همچنین از آزارها و رنجهای من می‌دانی. تو خودت خبر داری که چه آزارهایی در شهرهای انطاکیه پسیدیه، قونیه و لستره به من رسید و چگونه خداوند مرا از همه آنها رهایی داد.<sup>۱۲</sup> بلی، همه کسانی که می‌خواهند در پیوسته‌گی با عیسای مسیح یک زندگی خداپسندانه داشته باشند، اذیت و آزار را تحمل خواهند کرد.<sup>۱۳</sup> اما روزگار مردم شریر و گمراه‌کننده از بد بدتر خواهد شد. آنها دیگران را فریب می‌دهند و خودشان هم فریب می‌خورند.<sup>۱۴</sup> اما تو، به آنچه که آموخته‌ای و به آن اطمینان داری، وفادار باش زیرا خود می‌دانی که آن را از چه کسی آموخته‌ای.<sup>۱۵</sup> تو از کودکی نوشته‌های پیامبران را آموخته‌ای و این نوشته‌ها به تو حکمت می‌بخشند تا به وسیله ایمان به عیسای مسیح نجات یابی.<sup>۱۶</sup> تمام کتاب مقدس از الهام خداست و برای تعلیم و سرزنش خطا و اصلاح و پرورش ما در انجام کارهای درست مفید است.<sup>۱۷</sup> تا مرد خدا برای هر کار خوب کاملاً آماده باشد.

<sup>۱۴</sup> من در حضور خدا و عیسای مسیح که بر زنده‌گان و مُرده‌گان داوری خواهد کرد و به خاطر دوباره آمدن او در پادشاهی اش، به تو وظیفه می‌دهم که<sup>۲</sup> کلام خدا را موعظه کنی، همیشه آماده باش تا دیگران را اصلاح کرده، سرزنش و تشویق کنی و با صبر و حوصله تعلیم دهی.<sup>۳</sup> زیرا زمانی خواهد آمد که مردم به تعلیم درست گوش نخواهند داد بلکه دنبال خواهشهای نفسانی خویش خواهند گشت. آنها برای خود معلمان دروغین

پیدا خواهند کرد تا از آن معلمان همان چیزهایی را بشنوند که مورد قبول خودشان است. <sup>۴</sup> آنها از شنیدن حقیقت خودداری نموده و به سوی افسانه‌ها رو خواهند آورد. <sup>۵</sup> اما تو در همه حال متوجه خود باش، سختی‌ها را تحمل کن، خبرخوش را اعلام کن و خدمت خویش را به درستی انجام بده.

<sup>۶</sup> من همین اکنون خود را به عنوان قربانی تقدیم می‌کنم و زمان مرگ من فرارسیده است. <sup>۷</sup> در این مسابقه نیکو، نهایت کوشش خود را کرده، دوره خود را تمام نموده و در ایمانم وفادار مانده‌ام. <sup>۸</sup> اکنون تاج پیروزی در انتظار من است، همان تاج عدالت که عیسی مسیح، آن داور عادل، در روز آخر به من خواهد داد و آن را نه تنها به من بلکه به همه کسانی خواهد بخشید که با اشتیاق در انتظار برگشت او می‌باشند.

## خواهشهای شخصی پولس از تیموتاوس

<sup>۹</sup> کوشش کن که هرچه زودتر پیش من بیایی، <sup>۱۰</sup> زیرا دیماس به خاطر عشق به این دنیا، مرا ترک کرده و به شهر تسالونیکه رفته است. کریسکس به ولایت غلاطیه رفته است و تیطوس به منطقه دلماتیه. <sup>۱۱</sup> تنها لوقا با من است. مرقس را گرفته با خود بیاور، چون کمک او برای انجام خدمت من مفید است. <sup>۱۲</sup> من، تیخیکاس را به شهر افسس فرستاده‌ام. <sup>۱۳</sup> وقتی که می‌آیی چپن مرا که در شهر تروآس پیش کرسس گذاشته‌ام بیاور، همچنان کتابها و از همه مهمتر نسخه‌های نوشته شده بر روی پوست را با خود بیاور.

<sup>۱۴</sup> اسکندر مسگر ضرر بزرگی به من رسانید. خداوند سزای این کارش را خواهد داد. <sup>۱۵</sup> تو نیز از او احتیاط کن، زیرا با پیام ما مخالفت شدید نشان داده است.

<sup>۱۶</sup> در اولین محاکمه هیچ‌کس پهلوی من ایستاده نشد، همه مرا ترک کردند. دعا می‌کنم که خدا این کار را به حساب‌شان نگذارد. <sup>۱۷</sup> اما خداوند پهلویم ایستاد و چنان قدرتی به من داد که توانستم تمام پیام را موعظه کنم و آن را به گوش تمام ملتها برسانم و از دهان شیر نجات یابم. <sup>۱۸</sup> خداوند مرا از همه بدی‌ها نجات خواهد داد و به پادشاهی آسمانی

خود خواهد رسانید. شکوه و جلال تا به ابد به خدا باد! آمین.

## سخنان پایانی

- <sup>۱۹</sup> به پریسکیلا و اکیلا و خانوادهٔ اُنسیفوروس سلام مرا برسان. <sup>۲۰</sup> ارسطوس در شهر قرنتس ماند و تروفیمس را به خاطر مریضی که داشت در شهر میلیتوس گذاشتم.
- <sup>۲۱</sup> کوشش کن که پیش از زمستان بیایی. یوبولس، پودنس، لینوس، خواهر کلادیه و تمام ایمانداران به تو سلام می‌رسانند.
- <sup>۲۲</sup> خداوند با روح تو بوده و فیض خدا با همهٔ شما باد.